فصلنامه حقوق اداری
سال سیزدهم، تابستان ۱۴۰۵، شماره ۴۷
مقاله علمی پژوهشی

کارایی نظام پاسخ‌گویی اداری در پرتو تحلیل اقتصادی حقوق: الگوی دوسطحی بازدارندگی در حقوق عمومی ایران و انگلستان

هادی شکری؛[۱] مهدی فلاح خاریکی[۲]؛ احمد اسفندیاری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

چکیده

پدیده‌ی ترک فعل اداری یکی از پیچیده‌ترین جلوه‌های ناکارآمدی نهادی در نظام حقوق عمومی ایران است؛ پدیده‌ای که نه صرفاً ناشی از سهل‌انگاری فردی مأموران، بلکه بازتابی از ضعف در طراحی انگیزه‌ها و سازوکارهای پاسخ‌گویی در اداره‌ی عمومی محسوب می‌شود. این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق و روش توصیفی–تحلیلی، به دنبال تبیین الگوی کارآمدی برای پیشگیری و بازدارندگی از ترک فعل در نظام اداری ایران است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظام‌های حقوقی پیشرفته، به‌ویژه در حقوق انگلستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق نظام کامن‌لا، مسئولیت اداری ناشی از ترک فعل بر مبنای دو معیار اساسی یعنی تکلیف قانونی به اقدام و قابلیت پیش‌بینی زیان استوار است. تحلیل اقتصادی نیز آشکار می‌سازد که مسئولیت حقوقی دولت در برابر ترک فعل، باید تابعی از تعادل هزینه–فایده و کارایی سازوکارهای انگیزشی باشد؛ به گونه‌ای که علاوه بر پیشگیری از زیان‌های اجتماعی، از تحمیل هزینه‌های نامتعارف بر نهادهای عمومی جلوگیری شود. بررسی ساختار حقوق اداری ایران نشان می‌دهد که واکنش‌گرایی نظام حقوقی، ابهام در معیار تقصیر و فقدان شاخص‌های عملکردی روشن، موجب کاهش بازدارندگی و ضعف در انگیزش مأموران برای اقدام مؤثر شده است. در پاسخ به این چالش‌ها، پژوهش حاضر الگوی دوسطحی پاسخ‌گویی اداری را پیشنهاد می‌کند که در سطح نخست، بر مسئولیت‌های قانونی و مدنی و در سطح دوم، بر سازوکارهای اقتصادی و انگیزشی مبتنی است. همچنین گذار از رویکرد صرفاً مجازات‌محور به نظام پاسخ‌گویی انگیزشی–بازدارنده، شرط تحقق کارایی نهادی و اعتماد عمومی در نظام اداری ایران است؛ الگویی که در آن مأموران دولت از طریق ترکیب مسئولیت مالی محدود، پاداش‌های عملکردی و نظارت‌های هوشمندانه، به رفتارهای فعال، شفاف و پیش‌بینی‌گرانه ترغیب می‌شوند.

واژگان کلیدی: ترک فعل اداری؛ تحلیل اقتصادی حقوق؛ پاسخ‌گویی اداری؛ کارایی نهادی؛ بازدارندگی؛ حقوق عمومی ایران.

---

۱. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد ساری، ساری: ایران. (نویسنده مسئول)؛ hadishokri.law@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد آیت‌ا... آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل: ایران.
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ساری دانشگاه آزاد اسلامی، ساری: ایران.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

مقدمه

ترک فعل اداری[1] به‌عنوان یکی از شایع‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مصادیق کوتاهی دولت در انجام تکالیف ایجابی خود، در دهه‌های اخیر به چالش اصلی مدیریت دولتی و حقوق عمومی تبدیل شده است. این پدیده که عبارت است از خودداری مأمور یا نهاد عمومی از انجام وظیفه‌ای که به‌موجب قانون، مقررات یا اصول کلی حقوقی برعهده دارد، تأثیر عمیقی بر تحقق حقوق شهروندی، کارآمدی نظام اداری و اعتماد عمومی بر جای می‌گذارد. مطالعات حقوقی نشان می‌دهد که در بسیاری موارد، زیان ناشی از بی‌عملی[2]، به‌ویژه در حوزه‌های پیشگیری و نظارت، به‌مراتب بیشتر از زیان ناشی از یک فعل نامناسب[3] است (Elliott & Quinn, 2019: 112).

با وجود اهمیت حیاتی موضوع، نظام حقوقی ایران فاقد یک نظریه‌ی عام و منسجم در زمینه‌ی مسئولیت دولت و مأموران در قبال ترک فعل است. قواعد موجود به‌صورت پراکنده در فقه، قانون مدنی، قانون دیوان عدالت اداری و رویه قضایی قابل شناسایی هستند. این پراکندگی سبب شده است که مرز میان مسئولیت اخلاقی، مدنی و اداری روشن نباشد و تکلیف مأموران به اقدام در مقابل زیان‌های قابل پیش‌بینی، معمولاً بدون پاسخ باقی بماند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۲۷۱). این وضعیت، از منظر نظریه‌های جدید حاکمیت، نوعی ناکارایی نهادی[4] تلقی می‌شود؛ زیرا در غیاب سازوکارهای انگیزشی و بازدارنده، بی‌عملی اداری از حیث اقتصادی و اجتماعی به‌صرفه‌تر از اقدام مؤثر است (Posner, 2014: 56).

پژوهش حاضر بر آن است تا با فراتر رفتن از تحلیل‌های صرفاً توصیفی- قانونی، از چارچوب تحلیل اقتصادی حقوق[5] برای بازنگری در مفهوم مسئولیت اداری بهره جوید. این رویکرد، که بر اساس نظریات رونالد کوئز (Coase, 1960) و ریچارد پازنر (Posner, 2014) تثبیت شد، حقوق را نه صرفاً به‌عنوان ابزار عدالت اخلاقی، بلکه به مثابه سازوکاری برای تنظیم رفتارها و تخصیص کارای منابع اجتماعی می‌نگرد. در این چارچوب، قواعد حقوقی زمانی مطلوب‌اند که مجموع منافع اجتماعی حاصل از اجرای آنها بیش از هزینه‌های تحمیل‌شده باشد (Kaplow & Shavell, 1999: 8). بر اساس این رویکرد، مسئولیت مدنی یا اداری صرفاً ابزار جبران خسارت نیست، بلکه سازوکاری برای بازدارندگی و پیشگیری از زیان‌های اجتماعی است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۲). از این منظر، نادیده گرفتن انگیزه‌های اقتصادی مأموران، می‌تواند منجر به وضع مقرراتی شود که در عمل، ناکارایی را ترویج می‌کنند.

---

1. Administrative Omission
2. Cost of Omission
3. Cost of Action
4. Institutional Inefficiency
5. Economic Analysis of Law

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

بر این اساس، هدف اصلی این مقاله تبیین مبانی اقتصادی ترک فعل در نظام حقوق اداری ایران و ارائه‌ی الگویی کارا برای بازدارندگی و پاسخ‌گویی اداری است. برای نیل به این هدف، ابتدا در بخش نخست، مبانی نظری ترک فعل در فقه امامیه و حقوق کامن‌لا بررسی می‌شود تا مشخص گردد که در نظام‌های پیشرفته، مسئولیت اداری چگونه بر پایه‌ی «تکلیف به اقدام» تعریف شده است. در بخش دوم، چارچوب تحلیل اقتصادی حقوق برای تعیین حدود مسئولیت و بازدارندگی بهینه تبیین می‌گردد. در بخش سوم، کارایی نظام حقوقی ایران در پیشگیری از ترک فعل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا نقاط ضعف ساختاری (مانند فقدان شاخص‌های عملکردی) آشکار شود. در آخر نیز، الگوی دوسطحی پاسخ‌گویی اداری را ارائه می‌دهد که ساختار قانونی (بازدارندگی سخت) را با ابزارهای انگیزشی و اقتصادی (بازدارندگی نرم) ترکیب می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای غلبه بر معضل ترک فعل، حقوق اداری ایران باید به‌گونه‌ای بازطراحی شود که ترک فعل مأموران نه فقط نقض قانون، بلکه نوعی عدم کارایی اقتصادی و اجتماعی محسوب شود.

۱. مبانی نظری و تطبیقی ترک فعل در نظام حقوقی

برای تحلیل کارآمد پدیده‌ی ترک فعل در نظام حقوق اداری، ابتدا باید مبانی نظری و چارچوب‌های مفهومی حاکم بر این مفهوم در نظام‌های حقوقی مختلف مورد بررسی قرار گیرد. ترک فعل، به‌ویژه در حوزه‌ی حقوق عمومی، مفهومی چندلایه است که در مرز میان مسئولیت حقوقی، تکلیف نهادی و کارایی اداری قرار می‌گیرد و بدون تبیین دقیق مبانی آن، امکان ارزیابی مسئولیت و طراحی سازوکارهای بازدارنده وجود نخواهد داشت. ازاین‌رو، این بخش می‌کوشد با تبیین مفهوم و ماهیت ترک فعل و سپس بررسی تطبیقی آن در حقوق خصوصی، حقوق عمومی و برخی نظام‌های حقوقی پیشرفته، بستر نظری لازم برای تحلیل‌های اقتصادی و نهادی بخش‌های بعدی پژوهش را فراهم سازد.

۱-۱. مفهوم و ماهیت ترک فعل

در ادبیات حقوقی، «ترک فعل»[1] به حالتی اطلاق می‌شود که شخص یا نهاد، از انجام عملی که قانون، عرف یا وظیفه‌ی سازمانی از او انتظار دارد، خودداری کند (Kaplow & Shavell, 1999: 12). این مفهوم به‌طور سنتی در کنار «فعل زیان‌بار» مطرح می‌شود، اما از حیث اثبات مسئولیت، پیچیدگی‌های بیشتری دارد؛ زیرا در ترک فعل، نبودِ رفتار است که موجب ضرر می‌شود نه انجام آن (Winfield & Jolowicz, 2020: 315).

1. Omission / Abstention

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

در حقوق خصوصی، ترک فعل معمولاً در قالب مفاهیمی مانند تفریط و تسبیب مطرح می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۸۲). تفریط به معنای کوتاهی در انجام کاری است که عرفاً لازم بوده و شخص ملزم به انجام آن بوده است. تسبیب نیز شامل مواردی می‌شود که ترک فعل، به‌صورت غیرمستقیم، منجر به ایجاد زمینه‌ی ضرر شده باشد (مثلاً خودداری از تعمیر تجهیزات معیوب که منجر به آسیب به دیگری می‌شود).

در حقوق عمومی و اداری، مفهوم ترک فعل عمق بیشتری پیدا می‌کند. حقوق عمومی، ترک فعل را نه صرفاً به‌عنوان کوتاهی در یک تعهد خصوصی، بلکه به‌عنوان نقض حق عمومی تلقی می‌کند (Posner, 2014: 56). تحقق مسئولیت در این حوزه منوط به اثبات این موضوع است که مأمور یا نهاد، دارای وظیفه‌ی ایجابی[1] برای انجام عمل مورد انتظار بوده است.

یکی از مهم‌ترین مباحث در حقوق اداری ایران، عدم تبیین دقیق «وظیفه اقدام» یا «تکلیف به مداخله» است. در حالی که قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۷۶) و قانون مسئولیت مدنی (ماده ۱) مبنای مسئولیت را بر تقصیر (اعم از فعل و ترک فعل) استوار کرده‌اند، این مبانی هنوز در حقوق عمومی به‌طور کامل بومی‌سازی نشده‌اند (علیزاده، ۱۴۰۱: ۸۴). به این معنا که هنوز مشخص نیست که آیا هر کوتاهی در انجام وظیفه‌ی اداری، به‌طور خودکار، موجب مسئولیت عمومی و اداری می‌شود یا خیر. در حقوق تطبیقی، تمایزی میان «Fault of Abstention» (تقصیر ناشی از خودداری) و «Fault of Commission» (تقصیر ناشی از اقدام) وجود دارد که در حقوق اداری ما نیاز به تحلیل بیشتر دارد (Revue Générale du Droit, 2020).

۲-۱. مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت ناشی از ترک فعل

مسئولیت ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی ایران، در مقررات مختلف حقوق موضوعه مورد شناسایی قرار گرفته است. قانون مسئولیت مدنی با پذیرش تقصیر اعم از فعل و ترک فعل (ماده ۱)، قانون مجازات اسلامی با جرم‌انگاری خودداری مقامات از اجرای قوانین (از جمله ماده ۵۷۶)، و همچنین مقررات ناظر بر تخلفات اداری، همگی بر امکان تحقق مسئولیت ناشی از بی‌عملی مأموران دلالت دارند. بااین‌حال، این مقررات عمدتاً به‌صورت پراکنده، واکنشی و موردی تنظیم شده‌اند و فاقد یک چارچوب نظری منسجم در حوزه حقوق عمومی و حقوق اداری‌اند. به‌ویژه در سطح نهادی، هنوز معیار روشنی برای تمایز میان ترک فعل مسئولیت‌آور و بی‌عملی غیرقابل انتساب، یا برای تعیین حدود «تکلیف به اقدام» در ساختار اداری ارائه نشده است. از منظر حقوق عمومی، این خلأ نظری موجب شده است که ترک فعل اداری بیش از آنکه به‌عنوان یک پدیده نهادی و ساختاری تحلیل شود، در قالب مفاهیم سنتی تقصیر فردی یا تخلف انضباطی باقی بماند. در نتیجه، پیوند میان

1. Affirmative Duty

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

مسئولیت ناشی از ترک فعل و مفاهیمی چون منافع عمومی، وظیفه اداری و کارایی نهادی، در حقوق موضوعه ایران به‌طور کامل تبیین نشده است. این وضعیت، امکان طراحی سازوکارهای بازدارنده و پیشگیرانه را نیز با دشواری مواجه ساخته است.

از منظر دیگر و از آنجا که نظام حقوقی ایران در بنیان‌های خود متأثر از فقه امامیه است، بررسی مبانی فقهی می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای نظری و تحلیلی، به تکمیل و تعمیق فهم حقوقی از مسئولیت ناشی از ترک فعل کمک کند. فقه امامیه، هرچند به‌طور مستقیم از «ترک فعل اداری» به‌عنوان یک مفهوم مدرن سخن نگفته است، اما از طریق قواعد عام ضمان، تفریط، تسبیب و منع اضرار به غیر، ظرفیت مفهومی قابل توجهی برای تحلیل مسئولیت ناشی از بی‌عملی فراهم می‌آورد. این ظرفیت می‌تواند در بازسازی نظری مفهوم «تقصیر اداری» و انتقال آن از سطح روابط فردی و مدنی به عرصه نهادی و عمومی نقش ایفا کند. مسئولیت ناشی از ترک فعل در فقه، عمدتاً ذیل قواعد ضمان‌آور و اصل عدم جواز اضرار به غیر قابل پیگیری است.

در این میان، مفهوم تفریط جایگاه ویژه‌ای دارد. تفریط در لغت به معنای کوتاهی کردن و در اصطلاح فقهی به معنای کوتاهی در انجام کاری است که عرفاً لازم بوده و شخص ملزم به انجام آن بوده است (امام خمینی، ۱۴۱۸ق: ج۲: ۴۷). از دیدگاه فقهی، هرگاه شخصی از انجام عملی که برای جلوگیری از ضرر لازم است خودداری کند، به‌ویژه در مواردی که در موقعیت امانت‌داری قرار دارد، ضامن شناخته می‌شود. مأمور دولت نیز در این معنا، امانت‌دار مصالح عمومی است و اگر با ترک فعل خود، موجبات ورود زیان به اشخاص یا منافع عمومی را فراهم کند، از نظر فقهی ضامن محسوب می‌شود (شهید ثانی، بی‌تا: ج۴: ۲۳۱؛ مطهری، ۱۳۸۳: ۶۴). در فقه امامیه، مفهوم امانت به‌طور کلاسیک ناظر بر روابط خصوصی یا مناصب مشروع حکومتی است و اطلاق آن به مأموران حکومتی، به‌ویژه در نظام‌های جائر، بدون قید و شرط پذیرفته نشده است. بااین‌حال، فقیهان در بحث ضمان، میان «مشروعیت منصب» و «وظیفه نوعی در دفع ضرر» تفکیک قائل شده‌اند. بر این اساس، هرگاه شخصی، حتی بدون مشروعیت کامل سیاسی، در موقعیتی قرار گیرد که عرفاً قادر به جلوگیری از ضرر باشد و از این اقدام خودداری کند، از حیث ضمان، مسئول شناخته می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵: ج۳: ۷۲). در این چارچوب، نسبت‌دادن مفهوم امانت به مأمور دولت در حقوق عمومی معاصر، نه به‌عنوان حکم فقهی تاریخی، بلکه به‌مثابه بازسازی نظری از قواعد ضمان، تفریط و منع اضرار به غیر، قابل توجیه است. بدین‌ترتیب، ترک فعل در فقه، به‌منزله‌ی تضییع امانت یا عدم حفظ مال تلقی می‌شود و در حوزه‌ی حقوق عمومی، مأمور دولت که مکلف به حفظ منافع عمومی است، در صورت کوتاهی، مرتکب تفریط به شمار می‌آید.

قاعده‌ی تسبیب نیز از دیگر مبانی فقهی مسئولیت ناشی از ترک فعل است. این قاعده بر این اصل استوار است که «هر کس سبب ضرر دیگری شود، ضامن است» (من أتلف مال الغیر فهو له

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

ضامن). دامنه‌ی این قاعده نه‌تنها شامل افعال، بلکه در مواردی نیز شامل ترک فعل می‌شود، به‌ویژه هنگامی که بی‌عملی شخص زمینه‌ساز تحقق زیان گردد. تشخیص رابطه‌ی سببیت میان ترک فعل و زیان، در فقه به عرف واگذار شده است (انصاری، بی‌تا: ج۳: ۷۲). بدین معنا که اگر عرف، ترک فعل را عاملی مؤثر در وقوع ضرر بداند، ضمانت بر عهده‌ی شخص ترک‌کننده قرار می‌گیرد. بر این اساس، در حوزه‌ی اداری نیز هرگاه کوتاهی مأمور دولت زمینه‌ای فراهم کند که در اثر آن زیان به اشخاص یا اموال عمومی وارد شود، با احراز رابطه‌ی سببیت عرفی، مسئولیت او محقق خواهد شد.

از سوی دیگر، قاعده‌ی لاضرر به‌عنوان یک قاعده‌ی حکومتی و عام، هر نوع اضرار به غیر را ممنوع می‌داند. بر اساس حدیث مشهور «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، هیچ‌کس مجاز به وارد کردن ضرر به دیگری نیست، خواه این ضرر ناشی از فعل باشد یا ترک فعل. این قاعده مبنایی فراگیر برای منع هرگونه زیان به دیگران فراهم می‌کند و شامل مواردی نیز می‌شود که بی‌توجهی یا بی‌عملی مأموران موجب ضرر به مردم یا نقض حق عمومی گردد. در چنین وضعیتی، ترک فعل مصداق اضرار محسوب شده و دولت یا مأمور مربوطه ضامن شناخته می‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۸ق: ج۲: ۴۷–۴۸).

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که فقه اسلامی، با پذیرش اصولی چون عدم جواز اضرار به غیر و قواعد تفریط و تسبیب، بستر نظری و فقهی مناسبی برای شناسایی مسئولیت ناشی از ترک فعل فراهم کرده است (علیزاده، ۱۴۰۱: ۹۲). با این حال، چالش اساسی در نظام حقوقی ایران آن است که این مبانی هنوز به‌طور کامل از حوزه‌ی فردی و مدنی به عرصه‌ی نهادی و اداری منتقل نشده‌اند. در واقع، نظام فقهی ظرفیت لازم برای شکل‌گیری نظریه‌ای منسجم از «تقصیر اداری» را در خود دارد، اما این ظرفیت تاکنون در نظام حقوق عمومی ایران به‌صورت یکپارچه و نظام‌مند تحقق نیافته است.

۳-۱. تطبیق با نظام‌های حقوقی کامن‌لا

برای درک دقیق‌تر چالش‌های حقوقی مربوط به ترک فعل و طراحی الگویی کارآمد برای پاسخ‌گویی دولت، بررسی رویکرد نظام حقوقی کامن‌لا اهمیت ویژه‌ای دارد. این نظام در تبیین مفهوم «تکلیف به اقدام» و مبنای مسئولیت ناشی از ترک فعل مقامات عمومی، رویکردی محتاطانه و محدودکننده اتخاذ کرده است. به‌ویژه در حوزه‌ی حقوق زیان‌ها، نظام کامن‌لا به‌دلیل نگرانی از مداخله‌ی بیش از حد قوه‌ی قضاییه در امور اجرایی و تخصیص منابع عمومی، تمایلی به توسعه‌ی مسئولیت مقامات دولتی در قبال بی‌عملی ندارد و همواره میان حمایت از حقوق افراد و حفظ استقلال تصمیم‌گیری اداری تعادل برقرار می‌کند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

مبنای مسئولیت در این نظام بر مفهوم «تکلیف مراقبت»[1] استوار است که نخستین بار در رأی مشهور Donoghue v. Stevenson (1932) تثبیت شد. با این حال، تحمیل این تکلیف در موارد ترک فعل به مقامات عمومی به‌سختی پذیرفته می‌شود، زیرا دادگاه‌ها تنها در شرایطی خاص، دولت را موظف به اقدام مثبت می‌دانند. برای احراز چنین مسئولیتی، رویه‌ی قضایی انگلستان سه معیار اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد: نخست، قابلیت پیش‌بینی زیان؛ دوم، وجود رابطه‌ی نزدیک یا خاص میان مأمور و زیان‌دیده و سوم، عادلانه، منصفانه و معقول بودن[2] تحمیل تکلیف مراقبت بر دولت (Elliott & Quinn, 2019: 138).

با وجود این معیارها، دادگاه‌ها معمولاً در پذیرش مسئولیت ناشی از ترک فعل جانب احتیاط را رعایت می‌کنند. در پرونده‌ی Stovin v. Wise (1996)، دادگاه عالی بریتانیا تأکید کرد که صرف قابلیت پیش‌بینی زیان برای تحمیل تکلیف بر مقامات عمومی کافی نیست و باید ملاحظات سیاست عمومی و محدودیت‌های بودجه‌ای نیز لحاظ شود. به بیان دیگر، تحمیل تکلیف ایجابی به دولت تنها زمانی موجه است که منافع اجتماعی آن بیش از هزینه‌های اجرایی و مالی باشد (Jones, 2020: 94). این رویکرد به‌ویژه برای جلوگیری از تحمیل بار مالی سنگین و غیرمنطقی بر بودجه‌ی عمومی و صیانت از کارایی نظام اداری اتخاذ شده است.

با این حال، نظام کامن‌لا استثنائاتی را نیز در زمینه‌ی ترک فعل مقامات عمومی پذیرفته است. در صورتی که میان مأمور و زیان‌دیده رابطه‌ی خاصی وجود داشته باشد، یا مأمور خود به‌طور فعال وضعیت خطرناکی ایجاد کرده و سپس در رفع آن کوتاهی کرده باشد، مسئولیت قابل انتساب است. پرونده‌ی مشهور Home Office v. Dorset Yacht Co. Ltd. (1970) نمونه‌ی بارزی از این رویکرد است؛ در این پرونده مأموران اداره‌ی زندان به دلیل قصور در نظارت بر زندانیانی که از بازداشتگاه گریخته و موجب ورود خسارت به اموال مردم شده بودند، مسئول شناخته شدند.

بنابراین می‌توان گفت نظام کامن‌لا برخلاف نظام‌های قاره‌ای مانند فرانسه، به‌ندرت تکلیف ایجابی اقدام را بر دوش مقامات عمومی می‌گذارد و تمایل دارد محدوده‌ی مسئولیت دولت را بر پایه‌ی قابلیت پیش‌بینی زیان، وجود رابطه‌ی خاص و رعایت ملاحظات منافع عمومی تعیین کند. این احتیاط نهادی، به‌منزله‌ی تلاش برای حفظ توازن میان کارایی اداری و حمایت از حقوق شهروندان در برابر ترک فعل مقامات دولتی تلقی می‌شود. بر همین اساس، تحلیل تطبیقی میان حقوق ایران و نظام کامن‌لا نشان می‌دهد که هر دو نظام، ترک فعل را می‌پذیرند اما مبانی، حدود و شرایط تحقق

1. Duty of Care
2. Fair, Just and Reasonable

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

مسئولیت در آن‌ها تفاوت‌های بنیادین دارد. در فقه امامیه که سنگ‌بنای نظام حقوقی ایران را تشکیل داده، مبنای مسئولیت بر قواعد عامی چون «تفریط»، «تسبیب» و «لاضرر» استوار است و هرگونه کوتاهی در انجام وظیفه‌ای که عرفاً و شرعاً بر عهده‌ی شخص نهاده شده، موجب ضمان می‌شود. با این حال، این مبانی بیشتر در حوزه‌ی روابط فردی و مدنی کاربرد دارند و هنوز در حقوق عمومی ایران به صورت نهادی و منسجم تفسیر نشده‌اند. به همین دلیل، مرز روشنی میان مسئولیت اخلاقی، مدنی و اداری وجود ندارد و پاسخ‌گویی در برابر ترک فعل مقامات عمومی عمدتاً در قالب ضمان شخصی یا تخلف انضباطی دیده می‌شود، نه به عنوان یک سازوکار نهادی در نظام اداری.

در مقابل، در نظام کامن‌لا (به‌ویژه حقوق انگلستان)، مسئولیت ناشی از ترک فعل به‌سختی بر دولت تحمیل می‌شود. مبنای اصلی، «تکلیف مراقبت» است که تنها در صورت وجود رابطه‌ی خاص، قابلیت پیش‌بینی زیان و عادلانه بودن تحمیل تکلیف، ایجاد می‌گردد. دادگاه‌ها برای جلوگیری از مداخله‌ی بی‌رویه در امور اجرایی و مالی دولت، با احتیاط فراوان چنین تکلیفی را می‌پذیرند. بنابراین، سیاست عمومی و تخصیص منطقی منابع نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش یا رد مسئولیت دارند.

در نتیجه، مقایسه‌ی این دو نظام نشان می‌دهد که در حالی‌که فقه امامیه ظرفیت نظری گسترده‌ای برای شناسایی مسئولیت ناشی از ترک فعل دارد، حقوق عمومی ایران هنوز از این ظرفیت برای نهادینه‌سازی پاسخ‌گویی اداری بهره‌برداری نکرده است. از سوی دیگر، رویکرد محتاطانه‌ی کامن‌لا در تأکید بر ملاحظات سیاست عمومی، می‌تواند الگویی برای تنظیم معیارهای عادلانه و واقع‌بینانه‌ی تحمیل مسئولیت بر مقامات عمومی در نظام حقوقی ایران فراهم آورد.

۲. تحلیل اقتصادی ترک فعل در نظام اداری ایران

تحلیل اقتصادی حقوق، چارچوبی کارآمد برای بازنگری در مفهوم مسئولیت اداری فراهم می‌کند. این رویکرد، حقوق را نه صرفاً ابزاری برای تحقق عدالت اخلاقی، بلکه به مثابه سازوکاری برای بهینه‌سازی انگیزه‌ها و تخصیص کارای منابع اجتماعی می‌نگرد.

۱-۲. اصول و مفروضات تحلیل اقتصادی حقوق

تحلیل اقتصادی حقوق بر این فرض استوار است که قواعد حقوقی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که رفتار افراد را به‌سمت حداکثرسازی منافع اجتماعی هدایت کنند (Kaplow & Shavell, 1999). در این دیدگاه، هدف اصلی مسئولیت حقوقی (اعم از مدنی یا اداری)، جبران خسارت نیست، بلکه بازدارندگی بهینه و بهینه‌سازی رفتارهای انسانی است (Posner, 2014).

مهم‌ترین اصول این چارچوب عبارتند از:

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

۱. کارایی کوئزین[1]: بر اساس نظریه‌ی رونالد کوئز (Coase, 1960)، در غیاب هزینه‌های مبادله، تخصیص اولیه حقوق اهمیتی ندارد و طرفین می‌توانند از طریق مذاکره به کاراترین نتیجه برسند. اما در عالم واقع که هزینه‌های مبادله بالا است (مانند نظام اداری)، قواعد حقوقی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که کمترین میزان هزینه‌ی مبادله و اجتماعی را بر جامعه تحمیل کنند.

۲. بازدارندگی بهینه[2]: این اصل که توسط گری بکر و استیون شاول توسعه یافت، بیان می‌کند که نظام حقوقی باید هزینه‌ی اقدام غیرمطلوب (یا ترک فعل زیان‌بار) را به‌اندازه‌ای بالا ببرد که کنشگران عقلایی ترجیح دهند از آن اجتناب کنند. به عبارت دیگر، هدف این است که مجموع هزینه‌های اجتماعی (شامل هزینه‌ی زیان ناشی از ترک فعل، هزینه‌ی پیشگیری از آن، و هزینه‌ی اجرای قانون) به حداقل برسد. از این منظر، مسئولیت حقوقی صرفاً برای تنبیه یا جبران نیست، بلکه برای پیشگیری از زیان از طریق هدایت رفتارها طراحی می‌شود (Kaplow & Shavell, 1999).

۳. اصل تناسب[3]: کارایی ایجاب می‌کند که تکلیف به اقدام یا تحمیل مسئولیت، متناسب با زیان احتمالی باشد. تحمیل تکالیف سنگین یا نامتناسب، خود می‌تواند منجر به ناکارایی اقتصادی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر نظام اداری شود (Coase, 1960).

۲-۲. جایگاه ترک فعل در چارچوب تحلیل هزینه–فایده

در چارچوب اقتصادی، مأموران اداری به‌عنوان کنشگران عقلایی تلقی می‌شوند که بر مبنای منطق اقتصادی تصمیم می‌گیرند (Posner, 2014). ترک فعل اداری زمانی از منظر اقتصادی توجیه‌پذیر است که هزینه‌ی اقدام برای مأمور یا دستگاه اداری، بیشتر از هزینه‌ی زیان ناشی از بی‌عملی باشد.

از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، هدف اصلی تحمیل مسئولیت، بازدارندگی[4] از رفتارهای زیان‌بار اجتماعی است (Becker, 1968). در مورد ترک فعل اداری، بازدارندگی بهینه به این معنا است که نظام حقوقی باید مأموران را به‌گونه‌ای مدیریت کند که هزینه‌ی مورد انتظار بی‌عملی، همواره از منافع مورد انتظار آن (مثلاً صرفه‌جویی در وقت یا انرژی) بیشتر باشد.

در نظام حقوقی ایران و نیز در چارچوب نظری کامن‌لا، مفهوم بازدارندگی نقش اساسی در پیشگیری از ترک فعل ایفا می‌کند. هدف از مسئولیت حقوقی، صرفاً واکنش به وقوع زیان نیست،

1. Coasean Efficiency
2. Optimal Deterrence
3. Proportionality
4. Deterrence

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

بلکه ایجاد انگیزه برای اقدام به‌موقع و جلوگیری از بی‌عملی غیرموجه است. مأموران عمومی باید بدانند که خودداری از اقدام لازم می‌تواند پیامدهای حقوقی و مالی در پی داشته باشد و همین آگاهی، آنان را به رفتار محتاطانه‌تر و مسئولانه‌تر سوق می‌دهد (Becker, 1968؛ Mungan, 2018).

همچنین از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، بازدارندگی زمانی مؤثر است که هزینه‌ی مورد انتظار ترک فعل (اعم از مجازات اداری، انضباطی یا مالی) بیش از منفعت احتمالی بی‌عملی باشد. در غیر این صورت، اگر ضمانت‌اجراها سبک، نامطمئن یا غیرقطعی باشند، انگیزه‌ی اقدام کاهش یافته و کارایی نظام پاسخ‌گویی تضعیف می‌شود (Shavell, 2004).

علاوه بر این، بازدارندگی مؤثر صرفاً بر پایه‌ی مجازات بنا نمی‌شود؛ بلکه ترکیب هوشمندانه‌ی سازوکارهای تنبیهی و تشویقی می‌تواند به شکل‌گیری رفتار مطلوب کمک کند. از این منظر، نظام اداری باید علاوه بر مسئولیت و جریمه، سازوکارهایی چون پاداش عملکرد مؤثر و تشویق به اقدام مسئولانه را نیز پیش‌بینی کند. به تعبیر پازنر (Posner, 2014)، نظام حقوقی کارا آن است که کنشگر عمومی بتواند بر مبنای محاسبه‌ی عقلانی هزینه و فایده، تصمیم به اقدام به‌موقع بگیرد و از ترک فعل پرهیز کند.

۳-۲. تحلیل تطبیقی بازدارندگی در نظام‌های حقوقی

تحلیل تطبیقی بازدارندگی در نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که نظام‌های پیشرفته برای پیشگیری از ترک فعل مأموران، تنها به مجازات مستقیم متکی نیستند و از مجموعه‌ای از ابزارهای مالی، اعتباری و نهادی بهره می‌برند. در نظام کامن‌لا، به دلیل محدودیت در تحمیل مجازات‌های مالی مستقیم بر مأموران، نظارت رسانه‌ای، گزارش‌های عمومی و اعتبار اجتماعی مقامات نقش کلیدی در بازدارندگی ایفا می‌کنند (Jones, 2020: 94). از دست دادن وجهه و اعتبار عمومی برای مقامات، خود محرکی قوی است که آنان را به رفتار مسئولانه‌تر وادار می‌کند و باعث می‌شود سازمان‌های دولتی برای جلوگیری از پیامدهای هزینه‌بر ترک فعل، سازوکارهای نظارتی داخلی و آموزش کافی برای مأموران فراهم کنند، همان‌گونه که در پرونده‌ی Home Office v. Dorset Yacht Co Ltd (1970) مشاهده شد. با این حال، نظام کامن‌لا در پذیرش مسئولیت ناشی از ترک فعل محتاط است و برای جلوگیری از تحمیل تکالیف نامتناسب بر منابع عمومی، محدودیت‌هایی اعمال می‌کند (Stovin v. Wise, 1996).

بنابراین، بازدارندگی مؤثر در برابر ترک فعل اداری نیازمند ترکیب چند رویکرد است؛ از یک سو بازدارندگی سخت که از طریق قواعد حقوقی و تحمیل مسئولیت مالی و انضباطی تحقق می‌یابد و از سوی دیگر بازدارندگی نرم که از طریق شفافیت، اعتبار اجتماعی و پاداش‌های انگیزشی، رفتار مأموران را به سمت اقدام مسئولانه هدایت می‌کند. این ترکیب، همانند تجربه‌ی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

کامن‌لا، نشان می‌دهد که تقویت انگیزه‌های درونی مأموران همراه با امکان اعمال مسئولیت خارجی می‌تواند نظام اداری را در پیشگیری از ترک فعل کارآمدتر سازد.

٤-۲. تحلیل اقتصادی حقوق اداری ایران در مواجهه با ترک فعل

نظام حقوق اداری ایران در مواجهه با ترک فعل، به‌طور عمده بر رویکرد انضباطی و پسینی (واکنشی) متکی است و از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، دچار ضعف‌های ساختاری متعددی است که کارایی بازدارندگی را کاهش می‌دهد. سه مؤلفه اصلی این ضعف عبارت‌اند از: نسبت هزینه–فایده اقدام در برابر ترک فعل برای مأمور، نارسایی در تخصیص مسئولیت مالی، و نبود شاخص‌های عملکردی و شفافیت نهادی.

۱-٤-۲. عدم تناسب هزینه–فایده در تصمیم‌گیری مأمور

در نظام اداری ایران، اقدام مؤثر و تصمیم‌گیری ریسک‌زا است. مأموران، به‌ویژه مدیران، همواره در معرض هزینه‌های فرآیندی مانند تفتیش، بازجویی و طولانی شدن پاسخ‌گویی به نهادهای نظارتی، و نیز ریسک‌های شخصی از جمله سوءتفسیر قوانین یا اتهام تبانی قرار دارند. در مقابل، هزینه‌ی مورد انتظار ترک فعل (احتمال مجازات × شدت مجازات) معمولاً پایین است؛ زیرا اثبات رابطه‌ی سببیت در ترک فعل و احراز وظیفه ایجابی دشوار است و مجازات‌ها غالباً سبک و غیرقطعی‌اند (محمدی، ۱۴۰۳: ۵۸؛ شقری، ۱۴۰۱: ۲۴۱). نتیجه آن است که از منظر یک کنشگر عقلایی، هزینه‌ی اقدام (B) از هزینه‌ی مورد انتظار ترک فعل (P×L) بیشتر است و مأموران به انفعال تمایل پیدا می‌کنند (Coase, 1960: 5).

۲-٤-۲. نارسایی در مکانیسم مسئولیت مالی مأمور

در نظام کنونی، مسئولیت مالی ناشی از ترک فعل معمولاً بر عهده دولت (خزانه‌داری) است، نه شخص مأمور. این وضعیت موجب بروز پدیده‌ی «ریسک اخلاقی» می‌شود؛ زیرا مأمور می‌داند که هزینه‌ی قصور وی از بودجه عمومی تأمین می‌شود، نه از منابع شخصی، و در نتیجه انگیزه‌ای برای احتیاط ندارد (سجادی‌کیا و قربانی، ۱۴۰۲: ۱۳۸). این موضوع در رویه دیوان عدالت اداری نیز به چشم می‌خورد؛ در موارد متعدد، دولت به‌طور کلی مسئول شناخته می‌شود و سازوکار مشخصی برای جبران مستقیم از مأمور وجود ندارد (محمدی احمدآبادی و رضوی، ۱۴۰۳: ۸۷). این ساختار، نه تنها موجب کاهش بازدارندگی می‌شود، بلکه تخصیص ناکارآمد ریسک را نیز به دنبال دارد (Posner, 2014: 219).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

۳-٤-۲. نبود شاخص‌های عملکردی و شفافیت

یکی دیگر از ضعف‌های بازدارندگی، فقدان شاخص‌های عملکردی عینی (KPIs)[1] و شفافیت اطلاعاتی در دستگاه‌های اداری است. نظام اداری ایران در اغلب موارد معیارهای روشنی برای ارزیابی اقدام یا بی‌عملی مأموران ندارد و سازوکارهای نظارت نرم، مانند رسانه‌ها و افکار عمومی، به دلیل نبود داده و شفافیت، تأثیر محدودی دارند (محمدی، ۱۴۰۳: ۶۱؛ علیزاده، ۱۴۰۱: ۷۳). در چنین شرایطی، مأموران با اتخاذ رویکرد «احتیاط بوروکراتیک» می‌توانند تصمیم‌گیری را به تعویق انداخته یا به سطوح بالاتر ارجاع دهند و در کوتاه‌مدت از هزینه شخصی بگریزند، در حالی که هزینه اجتماعی این بی‌عملی بالا است (محمدی و رضوی، ۱۴۰۳: ۲۸۴).

٤-٤-۲. بحران اثبات و هزینه‌های قضایی

از منظر اقتصادی، هزینه‌های اثبات و پیگیری قضایی (کارشناسی، دادرسی، زمان) باید در ارزیابی کارایی نظام حقوقی لحاظ شود. در ترک فعل، رابطه سببیت اغلب چندعلتی و مبهم است و خواهان به اسناد داخلی دسترسی ندارد. در نتیجه، هزینه اثبات بسیار بالاست و عملاً بازدارندگی نظام کاهش می‌یابد (محمدی احمدآبادی و رضوی، ۱۴۰۳: ۹۱). این امر سبب می‌شود زیان اجتماعی ناشی از ترک فعل به ندرت به مسئولیت مالی مأمور یا نهاد تبدیل شود.

۵-٤-۲. ضرورت بازطراحی نظام پاسخ‌گویی بر پایه کارایی اقتصادی

برای ارتقای کارایی و بازدارندگی، نظام پاسخ‌گویی باید بر پایه اصلاح انگیزه‌ها بازطراحی شود. نخست، باید مسئولیت حقوقی با منطق هزینه–فایده پیوند بخورد؛ به این معنا که مسئولیت در صورتی اعمال شود که هزینه اقدام از زیان احتمالی کمتر باشد. دوم، باید مشوق‌های مثبت (پاداش عملکرد و پیشگیری) طراحی شود تا مأموران انگیزه اقدام مؤثر داشته باشند. سوم، اعمال «مسئولیت مالی جزئی» برای مأمور در موارد تقصیر مشخص، باعث می‌شود هزینه ترک فعل درونی‌سازی شود و رفتار بهینه اقتصادی شکل گیرد (Posner, 2014: 222).

ترکیب این اصلاحات می‌تواند ساختار فعلی واکنشی و کم‌بازده نظام اداری را به ساختاری پیش‌نگرانه و کارآمد تبدیل کند؛ ساختاری که در آن، ترک فعل نه‌تنها نقض تکلیف قانونی، بلکه رفتار اقتصادی ناکارا تلقی شود و نظام حقوقی بتواند با کمترین هزینه، بیشترین سطح بازدارندگی را ایجاد کند.

---

1. Key Performance Indicators – KPIs

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

۳. کارایی نظام حقوق اداری ایران در پیشگیری از ترک فعل

تحلیل اقتصادی حقوق نشان می‌دهد که کارایی یک نظام حقوقی در گرو سازوکارهایی است که انگیزه‌های کنشگران را به سمت رفتار بهینه هدایت کند. در این بخش، کارایی نظام حقوقی ایران در پیشگیری از ترک فعل بر اساس اصول اقتصادی ارزیابی می‌شود.

۱-۳. ارزیابی ساختار حقوقی موجود

ساختار حقوقی ایران در مواجهه با ترک فعل، بیشتر بر پاسخ‌گویی پسینی (واکنشی) متمرکز است تا پیشگیری نهادی.

• تکیه بر مجازات انضباطی و کیفری: ابزارهای اصلی برخورد با ترک فعل، مجازات‌های انضباطی (قانون رسیدگی به تخلفات اداری) و مجازات‌های کیفری (مانند ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی) هستند. این ابزارها ذاتاً واکنشی بوده و تنها پس از وقوع زیان یا تخلف شدید اعمال می‌شوند.

• ابهام در قلمرو مسئولیت مدنی: علی‌رغم وجود ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی (مسئولیت دولت در قبال اعمال اداری مأموران)، رویه‌ی قضایی در اجرای این ماده در خصوص ترک فعل، به‌ویژه در برابر اعمال حاکمیت، با تردید و احتیاط فراوان عمل می‌کند. این ابهام، فرآیند جبران خسارت را برای شهروندان طولانی و پرهزینه می‌سازد. مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، در فرض اعمال حاکمیت دولت که طبق قانون و برای تأمین منافع اجتماعی انجام شود، دولت ملزم به جبران خسارت نیست. این قید قانونی موجب شده است که در رویه‌ی قضایی، به‌ویژه در دعاوی مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل در برابر اعمال حاکمیت، قضات با احتیاط عمل کنند و پذیرش مسئولیت را دشوار سازند؛ در نتیجه، فرآیند جبران خسارت برای شهروندان پیچیده‌تر، طولانی‌تر و پرهزینه‌تر شده است.[۱]

---

۱. برای نمونه، در رأی فرجام‌خواستی دیوان عالی کشور نسبت به دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۷۲ مورخه ۲۹ مرداد ماه ۱۳۹۳ (https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/22329؛ سامانه آرای قضایی) دادگاه درباره دعوی مطالبه بهای اراضی و املاک در اثر اعمال تملک یا اعمال حاکمیت دولت، روشن ساخته است که حتی با وجود ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، در موارد اعمال حاکمیت قضات با احتیاط و تردید عمل می‌کنند و اجرای مسئولیت مدنی مأموران یا دستگاه‌های دولتی نسبت به ترک فعل و تأدیه حقوق مالکین با فرآیند طولانی و پیچیده همراه است. این رأی نشان می‌دهد که فاصله قانونی بین تصرف دولت و پرداخت حقوق مالکانه، موجب طولانی شدن جبران خسارت می‌شود و به همین دلیل، رویه قضایی در مواجهه با ترک فعل مأموران در اعمال حاکمیت، محدودیت و ابهام قابل توجهی دارد، که به وضوح بر چالش‌های عملی اجرای ماده ۱۱ در موارد ترک فعل تأکید می‌کند. همچنین می‌توان به رأی صادره از دیوان عالی کشور در خصوص فرجام خواهی از رای شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۱۰۴ مورخه ۱۳۹۳/۰۸/۲۴ (https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10822؛ سامانه آرای قضایی) اشاره کرد. در این رای، دادگاه به فرجام‌خواهی اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل در خصوص

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

• سازوکارهای غیرعملی: وجود موادی چون مواد ۸۱ و ۸۲ قانون مدیریت خدمات کشوری که بر ارزیابی عملکرد تأکید دارند (قانون مدیریت خدمات کشوری، مواد ۸۱-۸۲: ۱۳۸۶)، نشان‌دهنده‌ی درک اهمیت عملکردگرایی است، اما جنبه‌ی تشویقی و انگیزشی این مواد غالباً اجرا نمی‌شود و صرفاً ابزار تنبیهی باقی می‌ماند.

۲-۳. ناکارایی بازدارندگی در سازوکارهای اداری

ناکارایی نظام موجود، از منظر اقتصادی در عدم موفقیت در برقراری «بازدارندگی بهینه» ریشه دارد:

• سبک و غیرقطعی بودن مجازات‌ها: از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، میزان بازدارندگی هر نظام مسئولیت، تابع «هزینه‌ی مورد انتظار» رفتار نامطلوب است. این هزینه معمولاً از حاصل‌ضرب دو مؤلفه‌ی اصلی به دست می‌آید: احتمال کشف و اعمال ضمانت‌اجرا و شدت پیامدهای حقوقی و شغلی ناشی از آن. این رابطه به‌صورت فرمول زیر بیان می‌شود:

هزینه‌ی مورد انتظار ترک فعل = $P \times L$

در این فرمول، P بیانگر احتمال کشف ترک فعل و اعمال واقعی ضمانت‌اجرا نسبت به آن است و

L نشان‌دهنده‌ی شدت یا میزان هزینه‌ی تحمیلی بر مأمور (اعم از مجازات انضباطی، مسئولیت مالی، یا پیامدهای شغلی و اعتباری) می‌باشد. در نظام اداری ایران، مجازات‌های

مالکیت و حقوق موقوفه م.م. رسیدگی کرد. دیوان با تأکید بر نقایص تحقیقاتی و نیاز به تمهیدات کارشناسی، دادنامه تجدیدنظر را به استناد بند ۳ و ۵ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی و اصل ۱۶۶ قانون اساسی نقض کرد و پرونده را برای تکمیل تحقیقات و تعیین دقیق مالکیت، حدود و نوع معدن مورد اختلاف به همان مرجع ارجاع داد. رأی، ضرورت بررسی کارشناسی جهت تعیین تطابق اسناد مالکیت با محدوده معدن، جنس و عمق معدن (تابع زمین یا اعمال حاکمیت دولت) و تهیه کروکی و صورت‌جلسه معاینه محلی را مشخص کرده است. این تصمیم نشان می‌دهد که اعمال حاکمیت دولت در محدوده معادن نمی‌تواند مانع مالکیت قانونی و حقوق موقوفه شود و صرفاً از طریق تمهیدات قضایی و کارشناسی می‌توان مالکیت و حدود حقوق را مشخص نمود؛ بنابراین هرگونه اقدام اجرایی یا ادعای تصرف بدون رعایت این تشریفات می‌تواند مصداق ترک فعل یا تجاوز به حقوق مالکانه باشد.

همچنین در رای شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۶۴۵، مورخه ۱۳۹۴/۱۱/۲۷(https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/30245؛ سامانه آرای قضایی) رأی دادگاه در پرونده آقای ع. ر علیه وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون ایران نمونه‌ای از محدودیت‌ها و احتیاط‌های رویه قضایی در اجرای ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است. در این پرونده، علی‌رغم آنکه اقدام خواندگان در تولید و ارائه فرآورده‌های خونی در قالب امور حاکمیتی دولت انجام شده بود، دادگاه با توجه به ثابت شدن وجود نقص در تجهیزات و رابطه سببیت میان تزریق خون و ابتلای خواهان به هپاتیت C، مسئولیت مدنی دولت را پذیرفت و الزام به جبران خسارت مادی و هزینه‌های درمان گذشته صادر کرد. با این حال، هزینه‌های درمان حال و آینده و خسارت معنوی رد شد، که نشان‌دهنده همان احتیاط رویه قضایی در پذیرش مسئولیت دولت در برابر اعمال حاکمیتی است و تأییدی بر ابهام موجود در قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل به حساب می‌آید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

انضباطی در بسیاری موارد سبک، غیرقطعی و فاقد اثر بازدارندگی عام هستند. در نتیجه، حاصل‌ضرب این دو مؤلفه ($P \times L$) در سطحی پایین باقی می‌ماند و برای مأمور عقلایی، ترک فعل از نظر هزینه–فایده همچنان گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر از اقدام فعال و مسئولانه تلقی می‌شود. از این منظر، بازدارندگی مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که هزینه‌ی مورد انتظار ترک فعل به سطحی برسد که اقدام قانونی و پیشگیرانه، برای مأمور عقلایی مطلوب‌تر از بی‌عملی باشد.

• وضعیت توازن انفعالی: نظام اداری ایران در وضعیت «توازن انفعالی» قرار دارد. یعنی هرچه میزان پاسخ‌گویی فردی کاهش یابد، میل به بی‌عملی افزایش پیدا می‌کند. مأموران در این حالت، برای محافظت از خود در برابر پیامدهای احتمالی تصمیم‌گیری، انفعال و ارجاع امور را بر اقدام قاطع و مؤثر ترجیح می‌دهند. تحلیل اقتصادی این پدیده نشان می‌دهد که در این وضعیت، هزینه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری به‌صورت تصاعدی بالا می‌رود.

• سلطه‌ی پاسخ‌گویی صوری: به جای تمرکز بر "نتیجه" و کارایی، ساختار نظارتی بیشتر بر "فرآیند" و "انطباق با مقررات شکلی" متمرکز است. این امر مأموران را تشویق می‌کند که صرفاً به وظایف شکلی بپردازند و وظایف ایجابی و پیشگیرانه‌ی خود را که مستلزم ریسک بیشتری هستند، نادیده بگیرند.

۳-۳. تحلیل تطبیقی کارایی در نظام‌های دیگر

مقایسه با نظام‌های اداری موفق، مؤید این است که کارایی نه به شدت مجازات، بلکه به سازوکارهای پیشگیرانه و انگیزشی وابسته است:

• تمرکز بر شاخص‌های عملکردی: در حقوق کامن‌لا، مسئولیت در قبال ترک فعل تنها زمانی پذیرفته می‌شود که بتوان ثابت کرد زیان ناشی از ترک فعل قابل پیش‌بینی بوده است (Revue Générale du Droit, 2020). این امر مستلزم وجود معیارهای عینی برای ارزیابی اقدام مورد انتظار است.

• پیوند مسئولیت مالی و نهادی: در نظام کامن‌لا، با وجود سخت‌گیری در تحمیل مسئولیت مستقیم به مأمور، تحمیل مسئولیت به نهاد اداری باعث می‌شود که نهادها ملزم شوند سازوکارهای نظارتی و آموزشی خود را اصلاح کنند تا هزینه بی‌عملی برای مقامات هزینه‌زا باشد (Stovin v Wise, 1996). در مواردی چون Home Office v Dorset Yacht Co Ltd (1970)، دادگاه عملاً به دولت پیام داد که کوتاهی در نظارت و پیشگیری، هزینه‌ی حقوقی دارد.

نتیجه‌ی تطبیقی: کارایی نظام‌های اداری موفق، نه به‌شدت مجازات، بلکه به وجود شاخص‌های عملکردی، شفافیت اطلاعات و پیوستگی میان مسئولیت مالی و نهادی وابسته است. این سازوکارها، بازدارندگی را از تنبیه صرف به انگیزه‌سازی تغییر می‌دهند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

٤-۳. پیش‌شرط‌های کارایی نظام حقوقی

برای افزایش کارایی نظام حقوق اداری ایران در مواجهه با ترک فعل، باید پیش‌شرط‌های زیر محقق شود:

۱. تدوین شاخص‌های کارایی: تعریف معیارهای عینی و قابل اندازه‌گیری برای تعیین حدود وظیفه‌ی ایجابی مأموران و ارزیابی عملکرد آنان ضروری است. شاخص‌های کارایی مجموعه‌ای از معیارهای کمی و کیفی هستند که میزان تحقق اهداف سازمانی و کیفیت عملکرد اداری را می‌سنجند. در حوزه‌ی حقوق اداری، این شاخص‌ها می‌توانند شامل میانگین زمان پاسخ‌گویی به درخواست‌های اداری، میزان اقدامات پیشگیرانه در برابر بروز خسارت، یا سطح رضایت عمومی از خدمات ارائه‌شده باشند. تدوین و به‌کارگیری این شاخص‌ها، امکان تشخیص عینی ترک فعل و تفکیک آن از محدودیت‌های ساختاری یا کمبود منابع را فراهم می‌سازد.

۲. نهادینه‌سازی پیوست اقتصادی در قانون‌گذاری: پیش از تصویب هر قانون اداری که وظایفی بر دوش مأموران می‌گذارد، باید پیوست تحلیل هزینه–فایده انجام گیرد. این امر از تحمیل تکالیف غیرعملی جلوگیری می‌کند و وظایف اداری را واقع‌بینانه می‌سازد.

۳. تغییر رویکرد نظارتی: تبدیل نظام نظارتی سنگین و قهری به یک نظام هوشمند، انگیزشی و ترکیبی که در آن، نظارت نرم (مبتنی بر رسانه و افکار عمومی) و نظارت سخت (قضایی و مالی) مکمل یکدیگر باشند.

۴. شفافیت اطلاعات: افزایش شفافیت اطلاعاتی، هزینه‌ی اعتباری ترک فعل را برای مقامات افزایش می‌دهد و بازدارندگی نرم را تقویت می‌کند. هرچند که قانون مدیریت خدمات کشوری بر شفافیت تأکید دارد، اجرای آن هنوز ضعیف است (قانون مدیریت خدمات کشوری، مواد ۲۷–۲۸: ۱۳۸۶).

٤. الگوی پیشنهادی نظام دوسطحی پاسخ‌گویی اداری

با توجه به ناکارایی‌های موجود در نظام پاسخ‌گویی اداری ایران و تأثیر محدودیت‌های ساختاری و انگیزشی بر رفتار مأموران، طراحی یک الگوی نوین پاسخ‌گویی ضروری است. ساختار فعلی حقوق اداری عمدتاً مبتنی بر بازدارندگی پسینی و مجازات‌های انضباطی است که به دلیل قطعی نبودن، تأثیر بازدارندگی عمومی و فردی محدودی دارد و گاهی به بی‌عملی یا احتیاط افراطی مأموران منجر می‌شود. این وضعیت، هم ناکارآمدی اقتصادی ایجاد می‌کند و هم اعتماد عمومی به عملکرد دستگاه اداری را کاهش می‌دهد.

الگوی پیشنهادی، نظام پاسخ‌گویی دوسطحی را معرفی می‌کند که در آن، بازدارندگی سخت و نرم به‌طور مکمل عمل می‌کنند. سطح نخست شامل تضمین پاسخ‌گویی قانونی و جبران خسارت از

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

طریق مسئولیت مدنی و مقررات انضباطی است و سطح دوم با بهره‌گیری از تحلیل اقتصادی و طراحی محیط انگیزشی، مأموران را به انتخاب رفتار عقلایی و اقدامات پیشگیرانه هدایت می‌کند. هدف از این ترکیب، ایجاد تعادل بین الزام قانونی و تشویق رفتاری است تا هزینه ترک فعل برای مأموران، هم مالی و هم اعتباری، از منافع ناشی از بی‌عملی بیشتر شود و تصمیمات مطلوب اقتصادی و نهادی تقویت گردد.

این الگو ضمن آنکه اصول نهادگرایی جدید و تحلیل اقتصادی حقوق را در نظر می‌گیرد، تلاش می‌کند تا پاسخ‌گویی اداری ایران را از حالت انفعالی خارج کرده و زمینه اجرای مؤثر قوانین و مقررات را فراهم آورد. همچنین، چارچوب دوسطحی قابلیت انعطاف و انطباق با شرایط مختلف سازمانی و فرهنگی را دارد و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای طراحی شاخص‌های عملکرد، نظام تشویقی و نظارت ترکیبی مورد استفاده قرار گیرد. به این ترتیب، الگو علاوه بر ارتقای پاسخ‌گویی، امکان کاهش ترک فعل و افزایش کارایی نظام اداری را فراهم می‌سازد.

٤-١. مقدمه و ضرورت طراحی الگو

بر اساس یافته‌های بخش‌های پیشین، ساختار موجود حقوق اداری ایران در مواجهه با ترک فعل، دارای ناکارایی اقتصادی است؛ چرا که مجازات‌ها عمدتاً پسینی، غیرقطعی و فاقد اثر بازدارندگی عام هستند. این رویکرد انضباط‌محور، منجر به توازن انفعالی شده و مأموران را به‌جای اقدام، به احتیاط و بی‌عملی تشویق می‌کند.

بنابراین، نظام پاسخ‌گویی ایران نمی‌تواند صرفاً بر بازدارندگی سخت[1] که از طریق قوانین، مقررات انضباطی و دیوان عدالت اداری اعمال می‌شود، تکیه کند. الگوی کارآمد باید با استفاده از اصول تحلیل اقتصادی حقوق و نظریه‌ی نهادگرایی جدید، به طراحی انگیزه‌های کارا بپردازد. این الگو همانند آنچه که در کامن‌لا معمول است، باید به‌گونه‌ای باشد که هزینه‌ی بی‌عملی برای مأموران عقلایی به‌طور فزاینده‌ای از منافع مورد انتظار آن بیشتر شود و رفتار مطلوب از نظر اقتصادی سودمند جلوه کند (North, 1990; Williamson, 1985).

٤-٢. ساختار مفهومی الگوی دوسطحی

الگوی پیشنهادی، یک نظام دوسطحی را برای پاسخ‌گویی اداری ترسیم می‌کند که در آن، دو نوع بازدارندگی سخت و نرم، مکمل یکدیگر عمل می‌کنند:

1. Hard Deterrence

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

در سطح نخست، نظام حقوقی از طریق قواعد موجود مسئولیت مدنی و مقررات انضباطی، وظیفه‌ی جبران خسارت و بازدارندگی حقوقی را ایفا می‌کند. این سطح، حداقل الزام را برای تضمین عدالت و پاسخ‌گویی قانونی فراهم می‌آورد.

در سطح دوم، با بهره‌گیری از اصول اقتصادی، رفتار مأموران از طریق تغییر محیط انگیزشی هدایت می‌شود. در این سطح، مأموران بر اساس محاسبه‌ی عقلانی هزینه و فایده انتخاب می‌کنند. اگر هزینه‌ی ترک فعل (اعم از مالی، اعتباری یا شغلی) از منافع آن بیشتر باشد، فرد اقدام خواهد کرد (Posner, 2014; Shavell, 2004).

۳-٤. الگوی پیشنهادی

برای عملیاتی شدن الگوی دوسطحی، باید پنج عنصر کلیدی زیر در نظام حقوقی ایران نهادینه شوند:

۱-۳-٤. پذیرش مسئولیت مالی جزئی مأموران

برای رفع مشکل ریسک اخلاقی، باید مسئولیت مالی محدودی برای مأمورانی که مرتکب ترک فعل با سوءنیت یا تقصیر فاحش شده‌اند، به رسمیت شناخته شود. این مسئولیت، لزوماً نباید جبران کامل خسارت باشد، بلکه باید یک سهم محدود (مثلاً حقوق چند ماه) از زیان را به مأمور تحمیل کند. این مکانیسم در حقوق تطبیقی وجود دارد و هزینه‌ی مورد انتظار بی‌عملی را برای مأمور افزایش می‌دهد (Rivero, 2016).

۲-۳-٤. طراحی نظام «پاداش کارایی»

در نظام ایران نیز ماده ۸۱ قانون مدیریت خدمات کشوری به ارزیابی عملکرد اشاره دارد، ولی جنبه‌ی تشویقی آن اجرا نمی‌شود. باید توجه داشت بر اساس تحلیل اقتصادی، تشویق رفتاری مؤثرتر از تهدید است، زیرا در سطح انگیزه‌های درونی عمل می‌کند (Kaplow & Shavell, 1999). در نتیجه، طراحی نظام «پاداش کارایی» می‌تواند مکمل مجازات ترک فعل باشد و مأموران را به اقدامات پیشگیرانه و نوآورانه تشویق کند.

۳-۳-٤. تدوین شاخص‌های کارایی و پاسخ‌گویی اداری

برای ارزیابی منصفانه‌ی رفتار مأموران، باید شاخص‌های عینی و شفاف تدوین شود تا تکلیف ایجابی قابل اندازه‌گیری باشد. شاخص‌هایی چون:

- میانگین زمان پاسخ به درخواست‌های اداری.
- میزان اقدامات پیشگیرانه‌ی انجام‌شده.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

• درصد تحقق تصمیمات قانونی در مهلت مقرر.
• میزان رضایت عمومی.

مطالعات نشان می‌دهد که وجود شاخص‌های عملکردی شفاف، رابطه‌ی مستقیمی با بهبود پاسخ‌گویی نهادی و کاهش بی‌عملی دارد (Haghighi & Takian, 2024).

٤-٣-٤. نظارت ترکیبی سخت و نرم

نظارت باید از رویکرد صرفاً قهری (سخت) خارج شده و با نظارت نرم تکمیل شود:

• نظارت سخت: شامل نظارت مالی، قضایی و انضباطی توسط نهادهایی چون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و دیوان عدالت اداری است.

• نظارت نرم: مبتنی بر شفافیت، رسانه، افکار عمومی و نهادهای مدنی است (Article 19, 2022). در کشورهای توسعه‌یافته، نظارت رسانه‌ای و گزارش‌های عمومی سبب افزایش هزینه‌ی اعتباری بی‌عملی می‌شود (Jones, 2020). اصل هشتم قانون اساسی ایران (امر به معروف و نهی از منکر) می‌تواند پشتوانه‌ی حقوقی نظارت مردمی و رسانه‌ای بر ترک فعل باشد.

٥-٣-٤. پیوست اقتصادی در تدوین مقررات

یکی از چالش‌های نظام حقوقی ایران، نبود ارزیابی اقتصادی در هنگام تصویب قوانین است. الگوی پیشنهادی تأکید دارد که پیش از تصویب هر قانون اداری، باید پیوست تحلیل هزینه–فایده (Regulatory Impact Assessment - RIA) انجام گیرد (OECD, 2017). این پیوست کمک می‌کند تا وظایف اداری واقع‌بینانه و متناسب با توان اجرایی طراحی شوند، و از شکل‌گیری ترک فعل‌های ناشی از «تکلیف غیرعملی» جلوگیری گردد (Momeni et al., 2019).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی نظری و اقتصادی ترک فعل در نظام حقوق اداری ایران و ارائه‌ی الگویی کارا برای بازدارندگی و پاسخ‌گویی اداری انجام شد. بررسی‌ها نشان داد که پدیده‌ی ترک فعل در ساختار اداری کشور، صرفاً یک مسئله‌ی رفتاری یا اخلاقی نیست، بلکه بازتابی از ضعف نهادی در طراحی انگیزه‌ها، عدم تناسب ضمانت‌اجراها و فقدان سازوکارهای ارزیابی عملکرد است. در بخش نخست، مبانی حقوقی و فقهی نشان داد که اگرچه مسئولیت ناشی از ترک فعل در فقه امامیه از طریق قواعدی همچون «تفریط»، «تسبیب» و «لاضرر» قابل استنباط است، اما در حقوق اداری ایران، این مبانی عمدتاً در قالب مقررات مدنی بازتاب یافته و هنوز تفسیر نهادی و عمومی نیافته‌اند. مقایسه با نظام‌های پیشرفته نشان داد که در حقوق تطبیقی، مسئولیت ناشی از ترک فعل بر پایه‌ی «تکلیف قانونی به اقدام» و «قابلیت پیش‌بینی زیان» استوار است و مسئولیت اداری ابزار تضمین

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

کارکرد نهاد دولت در حفظ منافع عمومی محسوب می‌شود؛ بنابراین، علی‌رغم وجود اصول قانون اساسی و احکام صریحی مانند ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی، مرز میان مسئولیت اخلاقی، مدنی و اداری در ایران روشن نیست و این ابهام مانع کارایی نهادی در پیشگیری از ترک فعل شده است. تحلیل اقتصادی حقوق بر اساس چارچوب‌های نظری کوئز، پازنر و شاول نشان داد که نظام حقوقی زمانی کارا تلقی می‌شود که بتواند تعادل میان هزینه‌ها و منافع اجتماعی رفتارها را برقرار کند. در این دیدگاه، ترک فعل زمانی باید مسئولیت‌زا باشد که هزینه‌ی اقدام برای مأمور کمتر از هزینه‌ی زیان ناشی از بی‌عملی باشد؛ این امر تبیین عقلانی‌تری از حدود مسئولیت مأموران دولت ارائه کرده و از افراط در جرم‌انگاری یا تحمیل تکالیف غیرواقع‌بینانه جلوگیری می‌کند.

ارزیابی ناکارایی ساختار موجود نشان داد که نظام حقوق اداری ایران عمدتاً بر پاسخ‌گویی پسینی مبتنی است و مجازات‌ها اغلب سبک، غیرقطعی و فاقد اثر بازدارندگی عام هستند؛ در نتیجه، مأموران در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، از ترس عواقب، انفعال را بر اقدام ترجیح می‌دهند. تحلیل این پدیده با استفاده از نظریه‌ی بازی‌های بوروکراتیک بیانگر وضعیت «توازن انفعالی» در نظام اداری ایران است، به‌گونه‌ای که هزینه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری به شکل تصاعدی افزایش می‌یابد. مقایسه تطبیقی همچنین نشان داد که کارایی نظام‌های اداری موفق نه به‌شدت مجازات، بلکه به وجود شاخص‌های عملکردی، شفافیت اطلاعات و پیوستگی میان مسئولیت مالی و نهادی وابسته است.

بر اساس نتایج پیشین، پژوهش حاضر الگوی دوسطحی پاسخ‌گویی اداری را برای ایران طراحی کرد که ترکیبی از دو بعد قانونی و اقتصادی است. سطح نخست، ماهیت قانونی و مدنی دارد و از طریق قواعد موجود مسئولیت مدنی و مقررات انضباطی اعمال می‌شود. سطح دوم، بعد اقتصادی و انگیزشی دارد و شامل مسئولیت مالی جزئی مأموران، پاداش‌های عملکردی، شاخص‌های کارایی و نظارت ترکیبی سخت و نرم است. این ساختار دوسطحی به دولت امکان می‌دهد که ضمن حفظ اقتدار قانونی، انگیزه‌های درونی مأموران را به سمت رفتار بهینه هدایت کند؛ بازدارندگی مؤثر در این الگو نه از طریق ترس از مجازات، بلکه از طریق درونی‌سازی منطق هزینه–فایده در فرآیند تصمیم‌گیری اداری حاصل می‌شود.

پیامدهای اجرای این الگو شامل افزایش هزینه اقتصادی بی‌عملی و کاهش ریسک اخلاقی، تقویت انگیزه‌ی اقدام مؤثر از طریق طراحی پاداش‌های مبتنی بر عملکرد، افزایش اعتماد عمومی نسبت به کارآمدی دولت از طریق شفافیت اطلاعاتی و تبدیل نظام نظارتی کشور از وضعیت سنگین و قهری به نظامی هوشمند، انگیزشی و کارا است. در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحول در حقوق اداری ایران باید از سطح مقررات به سطح نهادها و انگیزه‌ها گسترش یابد و اصلاحات قانونی بدون بازنگری در سازوکارهای انگیزشی تنها منجر به تکرار رویه‌های ناکارآمد گذشته خواهد شد. طراحی نظام دوسطحی پاسخ‌گویی اداری، راهکاری برای پیوند میان عدالت و کارایی ارائه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

می‌دهد و اگر سیاست‌گذار ایرانی بتواند پیوست اقتصادی را در فرآیند قانون‌گذاری اداری نهادینه کند، شاخص‌های عملکردی را معیار پاسخ‌گویی قرار دهد و مسئولیت مالی جزئی مأموران را به رسمیت بشناسد، پدیده‌ی ترک فعل از یک معضل مزمن به یک شاخص قابل‌کنترل تبدیل می‌شود که نه‌تنها موجب ارتقای کارایی دولت، بلکه سبب افزایش اعتماد شهروندان و تحقق عدالت اداری خواهد شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). المکاسب (ج۳). قم: دارالکتب الاسلامیه.
امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۸ق). تحریرالوسیله (ج۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). کتاب البیع (ج۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
سجادی‌کیا، مهدی؛ قربانی، ابوالقاسم (۱۴۰۲). «حدود قلمروی مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مبانی فقهی». فصلنامه رأی.
شقری، ح. (۱۴۰۱). «تحلیل حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از نقض وظیفه قانونی و ترک فعل». فصلنامه حقوق اداری.
صفایی، حسین؛ رحیمی، عباس (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی تطبیقی. تهران: شهر دانش.
شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۱ق). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام (ج۴). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
علیزاده، الهه (۱۴۰۱). «سیر تکوین و مبانی مسئولیت مدنی ناشی از ترک تکالیف اخلاقی و عرفی در حقوق ایران و فرانسه». پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). حقوق مدنی: اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
محمدی احمدآبادی، محمد؛ رضوی، مریم (۱۴۰۳). «نظارت شعب دیوان عدالت اداری بر ترک فعل اداری». مجله شورا.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). عدالت اجتماعی در اسلام. تهران: صدرا.
قانون مدیریت خدمات کشوری (۱۳۸۶، با اصلاحات بعدی).
قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).
قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹).

ب. منابع لاتین

Actu-Juridique (2019). Panorama de droit administratif (1er–31 décembre 2019). Actu-Juridique.

Article 19 (2022). The Role of Soft Accountability in Public Governance: A Global Perspective. London: Article 19 Press.

Becker, G. (1968). Crime and Punishment: An Economic Approach. Journal of Political Economy, 76(2), 169–217.

Butler, H. (2018). Economic Analysis for Lawyers. Mason Publishing.

Coase, R. H. (1960). The Problem of Social Cost. Journal of Law and Economics, 3, 1–44.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]

Cooter, R.; Ulen, T. (2016). Law and Economics (6th ed.). Addison–Wesley.

Donoghue v Stevenson (1932). [1932] AC 562.

Elliott, C.; Quinn, F. (2019). Tort Law. Pearson Education.

Haghighi, A.; Takian, A. (2024). [Performance Indicators and Institutional Accountability: A Comparative Study]. [Journal/Publisher Name.[

Home Office v. Dorset Yacht Co. Ltd. (1970). [1970] AC 1004.

Jones, M. (2020). Public Law and Accountability. Oxford University Press.

Kaplow, L.; Shavell, S. (1999). Economic Analysis of Law. Harvard University Press.

Momeni, A. et al. (2019). [Regulatory Impact Assessment (RIA) in Iran's Administrative System: Challenges and Prospects]. [Journal/Publisher Name.

Mungan, M. C. (2018). The Law and Economics of Fluctuating Criminal Tendencies. Florida State University Law Review, 45(4), 1–40.

North, D. C. (1990). Institutions, Institutional Change and Economic Performance. Cambridge University Press.

OECD (2017). Public Sector Integrity: Ethics, Accountability and the Rule of Law. OECD Publishing.

Posner, R. A. (2014). Economic Analysis of Law. Wolters Kluwer.

Revue Générale du Droit (2020). Faute d'abstention et responsabilité administrative en droit français. Revue Générale du Droit.

Rivero, J. (2016). Droit administratif. PUF.

Shavell, S. (2004). Foundations of Economic Analysis of Law. Harvard University Press.

Stovin v Wise (1996). [1996] UKHL 15.

Vedel, G. (2018). Les principes du droit administratif. Dalloz.

Williamson, O. E. (1985). The Economic Institutions of Capitalism. Free Press.

Winfield, P. H.; Jolowicz, J. A. (2020). Tort Law: Text, Cases and Materials. Sweet & Maxwell.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-03]